

منظر، منظر طبیعی، منظر فرهنگی^۱

چکیده | اگرچه زمان زیادی است که عبارت «منظر فرهنگی» در متون مختلف به کار برده می‌شود، اما هرکس برای خود تعریفی در ذهن دارد که با دیگران متفاوت است. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که منظر، منظر طبیعی و منظر فرهنگی چه تعاریفی دارند، به چند دسته تقسیم می‌شوند و چه نقشی در زندگی امروزی می‌توانند به عهده بگیرند؟

انواع مناظر فرهنگی مثل منظر بوستانی، منظر صنعتی و... موضوع بعدی مورد بحث در مقاله است. سپس منظر از زاویه‌ای دیگر به عنوان موضوعی علمی با قابلیت میان‌رشته‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد که می‌تواند رشته‌های گوناگون علمی را گرد هم آورد و «سنتزی» از ترکیب آن‌ها به دست دهد. در بخش پایانی نویسنده به اهمیت پرداختن به منظر فرهنگی اشاره می‌کند و منظر را به عنوان موضوعی عمومی در کتاب‌های درسی که می‌تواند منجر به شناخت عمومی و رونق مناطق متروکه صنعتی یا کشاورزی شود، معرفی می‌کند. همچنین نویسنده به کاستی‌های قانونی در حفظ و حراست منظر اشاره می‌کند که به دلیل تفکیک نشدن مفهوم منظر و طبیعت، بیش از هر چیز به کار حفاظت از طبیعت می‌آیند.

واژگان کلیدی | طبیعت، منظر، منظر فرهنگی.

ترجمه و تلخیص: سیاوش درودیان
دکتری مریم پناهای تاریخی،
دانشگاه بامبرگ، آلمان.

siavashdoroodian@yahoo.com

تصویر ۲: موزه زادگاه «دات اوله هوس» در ویلزده.
مأخذ: www.lueneburger-heide.de/
Wilsede-/207/service/sehenswuerdigkeit
Heidemuseum_Dat_ole_Huus

Pic 2: Museum of „Dat ole Hus“ Birthplace at
Wilsede. Source: www.lueneburger-heide.de/service/sehenswuerdigkeit/207/Wilsede:_Heidemuseum_Dat_ole_Huus.



دریاچه‌ها کم‌کم خشک می‌شوند، مرداب‌ها غلیظ‌تر می‌شوند، بیشه‌ها تغییر می‌کنند، در ساحل سرزمین جدیدی ایجاد می‌شود و بر اثر طوفان دوباره از بین می‌رود. قانون پویایی طبیعت بر همه‌جا، حتی در جایی که ما نمی‌خواهیم، تأثیر می‌گذارد. بسیاری از ویژگی‌هایی که ایالت نیدرزاکسن برای آن‌ها تبلیغ کرده، می‌تواند با پویایی طبیعت نابود شود. این موارد ویژه نه تنها در برابر دخالت انسان‌ها، بلکه در برابر عمل طبیعت باید حفاظت شوند.

بوته‌زار لونه بورگ تحت تأثیر طبیعت ظرف چند دهه به بیشه‌ای بسته [بدون چشم‌انداز] تغییر می‌یابد (تصویر ۳). سروهای کوهی، گون‌ها، خلنگ‌ها و میخک‌ها دیگر در آنجا، جایی نخواهند داشت. تمامی این مناطق را انسان دگرگون کرده و یا شکل داده است. در آن‌ها علاوه بر بناهای تاریخی و آثار فرهنگی همچون کاخ‌ها و آبراه‌ها، پدیده‌های طبیعی مانند گونه‌های خاص گیاهی و جانوری وجود دارد. بر اثر تکرار عمل بازگرداندن انسان‌ها و استفاده و مراقبت آن‌ها، در این مناطق ثبات و تعادل منظر ایجاد شده است. در این منظر [باثبات]، طبیعت باید بتواند در چارچوب کم‌وبیش مشخصی به شکلی پویا رشد یابد، زیرا انسان چنان به جانشینی طبیعی بوم‌شناختی پایان می‌دهد که این منظر پایدار باقی بماند (نک. Küster, 1999). درک این مورد، ناملموس است، بنابراین می‌خواهم تعدادی مثال ارائه کنم که چگونه انسان‌ها در منظر، موفق به ایجاد پایداری در برابر قوانین پویایی طبیعت می‌شوند.

بر روی زمینی زراعی، علف‌های هرز خود را می‌گسترند و اگر زمین به‌طور مرتب کاشته نشود و مراقبت نگردد، روئیدنی‌های مقاوم مثل ترشک و بابا آدم، بزرگ می‌شوند. چند سال بعد درخت توس و بعد هم سایر درختان [رشد کرده] و در نهایت [این منظر باز] تبدیل به بیشه‌ای بسته می‌شود. هرکجا انسان پایدارسازی منظر را متوقف کند، پویایی طبیعت اثر خود را خواهد گذاشت. [این مورد] همزمان برای ساختمان‌ها و آثار فرهنگی نیز صادق است: اگر آن‌ها همواره محافظت و تعمیر نشوند، از بین می‌روند. طبیعت، پویاست. اگر انسان بخواهد آن را محافظت کند، باید به آن اجازه دگرگونی بدهد. تلاش برای حفظ یک وضعیت، تنها شامل حفاظت از آثار فرهنگی تاریخی نظیر یک

مقدمه | در یکی از کاتالوگ‌های تبلیغاتی سال ۲۰۰۲ تحت عنوان «نیدرزاکسن»: تجربه طبیعت در میان مرغزاران، شیره درختان و ساحل شنی» چنین می‌توان خواند: «برخورد امواج بر ساحل سپید، بیشه سیاه سروهای کوهی در میان فرش بنفش بوته‌زار [لونه بورگ]»، پرتو درخشان خورشید بر نوک صمغ درختان! مرداب‌های خشکیده، بیشه‌های درختان بلوط هزارساله و عزلت منطقه «لوشو- داننبرگ»^۴ را با دشتی سیلابی بیابید که هنوز از آن لک‌ها و وزغ‌هاست. نیدرزاکسن با گزینه بی‌همتایش در توانایی تجربه طبیعت می‌درخشد. خانه‌های کاهگلی، ویژگی این منطقه است. در رنگارنگی منظر مرغزار، به گیاهان کمیابی همچون «نرگس مردابی»^۵، «میخک صورتی»^۶ و یا «خلنگ زنگوله‌ای»^۷ برخورد می‌کنید. موقعیت مکانی «ویلزده»^۸ از نقاط ویژه در پارک طبیعی و بوته‌زار لونه بورگ است که تنها با پیاده‌روی، دوچرخه یا با درشکه می‌توان به آنجا رفت (تصویر ۱). در آنجا یکی از قدیمی‌ترین موزه‌های محلی آلمان قرار دارد؛ موزه زادگاه دات اوله هوس»^۹ (تصویر ۲).

در این نوشته اگرچه همواره صحبت از منظر است، اما تنها در حاشیه قرار دارد. زیرا در عنوان آن از تجربه طبیعت صحبت شده که باید در نیدرزاکسن برجستگی خاصی داشته باشد و پیش از هر چیز، این تبلیغات برای تجربه طبیعت انجام شده است. اغلب در قوانین حفاظت طبیعت فدرال و ایالتی صحبت از «طبیعت و منظر» می‌شود و این سؤال پیش می‌آید که آیا منظور از آن دو چیز است یا از یک مفهوم واحد صحبت می‌شود؟ پس ناچار این پرسش پیش می‌آید: طبیعت در واقع چیست؟ منظر چیست؟ منظر طبیعی چیست و منظر فرهنگی کدام است؟

طبیعت و منظر

اگرچه مشاهده‌گران، طبیعت را همچون چیزی که «هست» یا «وجود دارد» درک می‌کنند، اما طبیعت و تمام اجزایش بی‌وقفه در حال دگرگونی است. این [موضوع] برای تمامی دوره‌های زمین‌شناسی که شکل می‌گیرد و از بین می‌رود، برای گونه‌های گیاهی و جانوری، برای جوامع زیستی که با توالی بوم‌شناختی تکامل می‌یابند معتبر است:

معنای یک گل برای ما مهم است، زیرا بی معنی است که بیشتر «طبیعی» یا بیشتر «فرهنگی» حفاظت شود، بلکه همزیستی آن‌ها در منظر اهمیت دارد. حفاظت منظر، به این معنی که تشریح شد، به خوبی می‌تواند با هدف حفاظت از آثار تاریخی مربوط شود. هردو مورد مربوط به حفاظت از «یک وضعیت» است. درحالی‌که در حفاظت از طبیعت در همین معنی، باید برخلاف قبل «حفاظت از دگرگونی» در مرکز توجه قرار گیرد.

منظر به عنوان مقوله‌ای علمی

وقتی برای همه موضوع بحث روشن شد، می‌توان از منظر به عنوان منظر فرهنگی نام برد. بسیاری از رشته‌ها می‌توانند به منظر پردازند؛ جغرافیا، تاریخ هنر، زیست‌شناسی، بوم‌شناسی، تاریخ، آلمان پژوهی، فلسفه، معماری منظر، کشاورزی و غیره تنها تعداد اندکی از آن‌ها هستند. ماهیت یک منظر به خودی خود کشف نمی‌شود. باید همواره توصیف و تاریخش بازگو شود. منظر یا منظر فرهنگی باید درست همانند بناهای تاریخی یا آثار فرهنگی توصیف شود. این یادآور همان کاتالوگ تبلیغاتی ابتدای بحث است. امروزه این سنتز تشریح منظر، مسیرهای جدید علمی هستند، نه یک شاخه منفرد علمی یا یک رشته منفرد. می‌توان تصور کرد که یک دانشکده کاملاً جدید تحت عنوان اصلی علوم منظر برپا نمود که در آن جغرافی دانان و بوم‌شناسان بتوانند درست مانند مورخین هنر، آلمان‌شناسان، معماران منظر، مزرعه‌داران، بازاریابان و مدیران گردشگری کار کنند. سازمان حفظ محیط زیست نیدرزاکسن با کمک صندوق تأمین مالی پژوهش، شناخت و نقشه برداری از ویژگی‌های مناظر فرهنگی را مهیا می‌کند و دانشنامه‌ای در مورد عناصر سازنده منظر فرهنگی منتشر می‌سازد (Wiegand, 2005).

چرا به منظر یا منظر فرهنگی پرداخته می‌شود؟

در آخرین بخش این گفتار باید به نتایج و موارد کاربرد منظر فرهنگی - یا منظر - پرداخته شود. برخی موارد به شرح زیر است:

شالوده‌ای برای تدریس در مدرسه

این سنتز [شاخه‌ها] و وصف و معرفی منظر یا منظر فرهنگی شالوده‌ای برای تدریس در مدارس و کتاب‌های درسی است. در مدرسه باید به شاگردان درباره محیطی که در آن زندگی می‌کنند آگاهی‌هایی ارائه شود. از وقتی تدریس «تاریخ محلی»^{۱۳} متوقف شده، چیز درخوری به جای آن ننشسته است.

می‌دهد، همین به تنهایی منجر به دیدگاه جدید انسان به آن منظر می‌شود - و بدین طریق ارزشی زیبایی شناختی و یا نمادین به دست می‌آورد. همین ارزش می‌تواند مناظری را که حاصل کار هنرمندان‌های نیستند، اما از دید هنرمندان شناخته شده و از آن پس به شکلی زیبا ثبات یافته‌اند، ارجح سازد: یک پرچین در اصل برای آن نصب شده تا برای مشخص کردن مرز قطعات زمین نیازی به ساخت نرده نباشد، زیرا برای ساخت نرده چوب موجود نیست. این تصمیم سازنده پرچین است، اما در وهله نخست به زیبایی و یا به حفاظت از گونه‌های گیاهی مربوط نمی‌شود، بلکه به قصد کاربردی شکل گرفته است. مناظر فرهنگی تاریخی، دارای بقایایی از دوره‌های گذشته‌اند؛ برای مثال در جایی قرار دارند که یک زمین کشاورزی در یک روستا دیگر مورد استفاده نیست، اما انسان هنوز می‌تواند پی ببرد که روزگاری مورد استفاده بوده است. وقتی که به مقوله منظر فرهنگی پرداخته می‌شود، به هیچ وجه نمی‌توان گذشته را همچون چیزی بی‌نقص نمایاند.

همکاری طبیعت و فرهنگ

طبیعت و فرهنگ در مناظر همواره با یکدیگر همکاری می‌کنند. برخی از مناظر شاید بتوانند به عنوان منظر طبیعی به حساب آیند، از آن جهت که هیچ تأثیر انسانی در آن‌ها شناخته شده نیست. این در خصوص قطب‌های شمال و جنوب و شاید برای قسمت‌هایی از جنگل‌های استوایی معتبر است؛ با کمی مسامحه می‌توان بخشی از ساحل ماسه‌ای دریا را نیز منظر طبیعی نامید.

تمامی مناظر دیگر نیدرزاکسن، منظر فرهنگی هستند که در آن‌ها همواره انسان مانع رخداد‌های پویای طبیعی است (نک، Küster & Volz, 2005). اما این مناظر به تنهایی بر اثر فرهنگ، آن چنان که امروزه هستند، منظر فرهنگی نشده‌اند. کشتزارها در مناطق جلگه‌ای شمال آلمان، همواره شکل متفاوتی از کشتزارهای [مناطق] بوته‌زار دارند، زیرا شرایط طبیعت در هرکجا به گیاهان متفاوتی اجازه رشد می‌دهد و در هر جا نیز کشاورزان خود را به شیوه متفاوتی با شرایط طبیعت سازگار می‌کنند، حتی در کشاورزی با فن‌آوری پیشرفته. از آنجاکه شرایط طبیعت و فرهنگ همواره برهم مؤثرند، ما در واقع می‌توانیم از منظر به تنهایی سخن بگوییم، اگر با چارچوب‌هایی به آن بپردازیم که در آن‌ها تأثیرات طبیعت همچون تأثیرات فرهنگ قابل شناسایی باشد. زمانی که مفهوم عام منظر را جانشین مفهوم منظر فرهنگی می‌کنیم، این را نیز روشن می‌سازیم که قرار نیست سلسله‌مراتبی بین منظر طبیعی و منظر فرهنگی ایجاد کنیم: حفاظت منظر به

کلیسای قرون وسطایی یا بیشه سروهای کوهی نمی‌شود، بلکه شامل پدیده‌های طبیعی، یعنی همان گونه‌های مشخص گیاهان و جانوران نیز می‌شود که بر اثر تحولات طبیعی زیستگاه‌هایشان از دست می‌رود.

اگر دگرگونی طبیعت اهمیت دارد و اگر پایداری و ثبات منظر می‌تواند معنایی داشته باشد، این سؤال پیش می‌آید که چگونه این مفاهیم با مفهومی که امروزه بسیار به کار می‌رود، یعنی حفاظت از طبیعت و حفاظت از منظر، تطبیق می‌کند؟ در بیشتر مناطق حفاظت شده طبیعی، دگرگونی‌های طبیعی حفاظت نمی‌شوند، بلکه یک وضعیت حفاظت می‌شود. این وضعیت می‌تواند یا وضعیت یک منظر باشد، یا وضعیت یک تنوع زیستی؛ در خلال حفاظت از یک محیط زیست، گونه‌های جانوری و گیاهی باید در آن منطقه محافظت شوند. اما این به بیان دقیق، نه حفاظت از طبیعت، بلکه حفاظت از منظر یا حفاظت از گونه‌هاست؛ بنابراین اصل دگرگونی طبیعت در این مناطق نباید پذیرفته شود. از این رو بسیاری از مناطق حفاظت شده طبیعت، در واقع مناظر حفاظت شده هستند. طبیعت و منظر مفاهیم مختلفی دارند. ما باید این موضوع را برای خود به درستی روشن کنیم که طبیعت همواره خود را دگرگون می‌کند و منظر [حاصل] اندیشه انسان‌هاست.

منظر فرهنگی

برای روشن‌تر کردن اینکه منظور از منظر که باید حفاظت شود چیست، باید گفت در سال‌های اخیر مفهوم منظر فرهنگی به شکلی فزاینده مورد استفاده قرار گرفته است: منظر فرهنگی، منظر است که کم‌وبیش تحت تأثیر انسان‌ها شکل گرفته است. با وجود این باید احتیاط شود، چون منظر فرهنگی معانی متعددی دارد. بسیاری، آن را تنها به یک «منظر بوستانی»^{۱۴} تعبیر می‌کنند که آگاهانه طراحی و ساخته شده باشد. منظر فرهنگی می‌تواند در حقیقت «منظر صنعتی»^{۱۵} باشد و یا زمین‌های تغییر کاربری داده شده که بر روی آن‌ها کاربری‌های جدیدی انجام می‌پذیرد و نیز معادن «زغال قهوه‌ای»^{۱۶} یا مناطق آموزش دسته‌های نظامی، همچنین ایستگاه قطارهای ترابری یا نواحی دیگر شهری که در آن‌ها می‌تواند شکل جدیدی از منظر وجود داشته باشد.

یک منظر فرهنگی می‌تواند به دلایل گوناگونی رشد یابد: سازگاری زمین با احتیاجات کشاورزی یا با استفاده صنعتی. منظر فرهنگی می‌تواند در مناطق روستایی یا شهری وجود داشته باشد؛ و یا نتیجه یک طرح هنری باشد. می‌تواند ارزش زیبایی شناختی داشته یا نداشته باشد؛ با وجود این وقتی انسان پیدایش آن را شرح

در نگاه جدید به جهان،
منظر فرهنگی و منظر به
معنای عام ضمن شکل‌گیری
توسط انسان، سنتزی از
طبیعت و فرهنگ است
و حفاظت آن نیز متأثر از
همین دو مؤلفه است.

به تغییر سکونت به دلیل تغییر محل شغل جدیدشان هستند. مهاجران می‌توانند بهتر جذب [محیط جدید] شوند، اگر به آن‌ها فقط نگویند که سوپرمارکت بعدی یا اداره خدمات شهری کجاست، بلکه به آنان روح مکان یا هویت یک منظر، یا داستان و تاریخچه یک مکان یا منطقه توضیح داده شود.

مشکل مفاهیم طبیعت، زادبوم و منظر وقتی لازم شد بیشتر به منظر، منظر فرهنگی، و همچنین به طبیعت و حفاظت از طبیعت، اصول برنامه‌ریزی و مفهوم زادبوم پرداخته شود، نباید این موضوع فراموش شود که ما باید به خطاها و ابهاماتی که در این مفاهیم وجود دارند بپردازیم. در مورد نظریه حفاظت از منظر و حفاظت از طبیعت نیز باید بیشتر تأمل کنیم. قوانین حفاظت از طبیعت در آلمان اگرچه اصلاح شده، اما هنوز در هسته اصلی خود برخاسته از قوانین سال ۱۹۳۵ است. هنوز هدف از حفاظت طبیعت، تداوم یک وضعیت است، نه حفاظت از طبیعت پویا.

جمع‌بندی | بی‌همتایی مناظر نیدرزاکسن و به‌طور کلی مناظر مناطق بزرگی از اروپا ناشی از طبیعت، به دلیل آن چیزی که به چشم می‌آید نیست، بلکه ناشی از سنتز طبیعت و فرهنگ است. وجود این سنتز در هر منظر یا هر منظر فرهنگی باید معرفی و تشریح شود و ارزش حفاظت دارد. حفاظت یک منظر به‌عنوان سنتزی از طبیعت و فرهنگ، دیدگاه جدیدی است به جهان، به محیط زیست امروز. و به درستی به جهان فردا. که از طبیعت و نیز از فرهنگ تأثیر خواهد پذیرفت.

دگرگون شود، بنابراین باید عناصر ضروری این منظر به طور مداوم ارزیابی، معرفی و حفاظت شود. تغییر کاربری و بازسازی منظر هرگز به معنی مرمت زیست بوم نیست. در زیست بوم هر آنچه با قواعد دگرگونی طبیعت بتواند (دوباره) به سادگی عمل کند، نباید به هیچ صورتی مرمت شود. در یک محوطه صنعتی متروکه، فروریختگی و رویش انبوه علف‌های هرز رخدادهای طبیعی شمرده می‌شوند؛ نه ساخت یک «طبیعت دست‌دوم» بوستان مانند. این منظر نیازمند مراقبت دائمی است تا همچنان که طراح یا خالق آن می‌خواسته، باقی بماند. اگر انسان نمی‌خواهد ساختارهای گذشته را که برای هویت یک منظر مفید هستند، نابود کند، باید برای بازسازی مناظر با احتیاط عمل نماید.

ایجاد معنایی جدید برای زادبوم به‌طور کلی پرداختن به منظر فرهنگی می‌تواند به مفهوم جدیدی از زادبوم منجر شود. زادبوم، مفهومی علمی و صریح نیست، قابل تبیین نبوده و مرز مشخصی ندارد. برعکس مفاهیمی وجود دارند که برجای زادبوم می‌نشینند و قابل تبیین هستند و دارای مرز مشخص؛ به‌عنوان مثال «منطقه». از این رو «زادبوم» و «منطقه» یکسان نیستند. مفهوم اکولوژیکی «محیط زیست» نیز معنای زادبوم را نمی‌رساند، زیرا از شمار زیاد روابط عملکردی یک موجود زنده با جایی که در آن زندگی می‌کند تشکیل شده است. برعکس «زادبوم»، مفهومی احساسی است. ما بدون احساسات [ناشی از] یک منظر نمی‌توانیم زندگی کنیم، به همین دلیل به این مفهوم نیاز داریم.

این [مفهوم] زادبوم که بر اثر هویت منظر تبیین شد، نه تنها نباید تأثیری خاص یا محدودکننده بر انسان‌های دیگر بگذارد، بلکه باید انسان‌های دیگر را با واداشتن به تأمل در این زادبوم، به شکل بهتری جذب می‌کند. در جهان امروز، شمار مهاجران روزافزون است. این گروه تنها شامل مهاجرانی نیست که از خارج می‌آیند، بلکه شامل کسانی از خود آلمان نیز می‌شود که همواره ناچار

پروراندن دیدگاه‌های جدید برای مناطق شهری و روستایی

مناطق روستایی در چند دهه اخیر به شکلی متفاوت از چند هزار سال قبل تغییر کرده‌اند. اگرچه بازده کشاورزی بسیار افزایش یافته، اما قیمت محصولات کشاورزی کاهش یافته است. همواره مردمان کمتری در بخش کشاورزی دست‌مزد کافی به چنگ می‌آورند و این به معنی آن است که برای مردمان کمتری ضرورت دارد که در مناطق روستایی زندگی کنند. وقتی در این مناطق تنها تعداد اندکی کشاورز با خانواده‌هایشان باقی بمانند، تأسیسات زیربنایی ارزش نگهداری ندارند. این روند شاید نتواند متوقف شود، اما ما باید آن را درک کنیم. اگر نمی‌خواهیم آن را بپذیریم باید تلاش کنیم مناطق روستایی جذاب باقی بمانند و انسان‌ها در آنجا زندگی کنند، کار کنند و یا بخواهند تعطیلاتشان را در آنجا بگذرانند. گردشگران را تنها جایی می‌تواند به خود جلب کند که تولید محصول و یا امرار معاش ارزان باشد، یا جذابیت‌های ویژه‌ای در آنجا وجود داشته باشد (تصویر ۳). «طبیعت بکر» را بسیاری از مناطق روستایی نمی‌توانند ارائه دهند، اما در عوض، منظر درست همان چیزی است که نیدرزاکسن و سایر مناطق برای آن تبلیغ می‌کنند. این منظر یا منظر فرهنگی همان چیزی است که تشخیص تک‌تک مناطق را می‌شناساند و به آن‌ها هویت می‌بخشد. اما این کار ساده‌ای نیست که مشخصه منظر، تمایز آن [با سایرین] و هویت برپادارنده سرشت آن فهمیده شود. یک توضیح یا شرح تاریخچه برای آن لازم است که تمایز و هویت یک منظر فرهنگی نمایانده شود. تاریخچه‌ای از منظر، چشم‌ها را بر ارزش آن می‌گشاید و می‌تواند به قصد حفاظت از آن انجام پذیرد.

تغییر کاربری و مرمت زیست بوم به‌هیچ‌وجه نمی‌توان همه چیز را حفظ کرد. از این مجموعه، انتخاب آنچه هویت هر منظر را بازمی‌شناساند، ضروری است. درباره این‌که ویژگی خاص یک منظر فرهنگی چیست، باید گفت از آنجا که این ویژگی می‌تواند در هر زمان

پی‌نوشت

- این ترجمه، خلاصه مقاله‌ای از هانس یورگ کوستر، استاد بوم‌شناسی گیاهی در دانشگاه لایبنتس آلمان (Leibniz University of Hannover) است که در مجموعه مقالاتی با عنوان «مناظر فرهنگی» منتشر شده است: Küster, Hansjörg. (2008). "Landschaft-Naturlandschaft-Kulturlandschaft", in: Kulturlandschaften, ed. by H.Küster, Peter Lang GmbH, Frankfurt am Main, Berlin, Bern, Bruxelles, New York, Oxford, Wien.
- Niedersachsen
- Lüneburger Heide
- Lüchow-Dannenberg
- Moorlilie با نام علمی: Narthecium ossifragum.
- Heidenelke با نام علمی: Dianthus deltoides. م.
- Glockenheide با نام علمی: Erica tetralix. م.
- Wilsede
- Dat ole Hus: (در زبان آلمانی معیار: Das alte Haus) این ترکیب به لهجه شمالی و به معنی خانه کهن است. م.
- Parklandschaft
- Industriefolgelandschaften
- Braunkohle
- Heimatkunde: رشته‌ای که به مطالعه تاریخ و جغرافیا و اطلاعات یک محل خاص می‌پردازد. م.

تصویر ۳: بوته زار لونه بورگ.
مأخذ: www.campingland-niedersachsen.de/Region/lüneburger-heide

Pic 3: Lüneburg heathland.
Source: www.campingland-niedersachsen.de/Region/lüneburger-heide.



تصویر ۳
Pic3

Reference list

- Küster, H. (1999). *Geschichte der Landschaft in Mitteleuropa. Von der Eiszeit bis zur Gegenwart*. 3. Auflage München.
- Küster, H. & Volz, W. (2005). *Natur wird Landschaft: Niedersachsen*. Springe.
- Wiegand, Ch. (2005). in Verbindung mit der Arbeitsgruppe Kulturlandschaft des Niedersächsischen Heimatbundes: *Spurensuche in Niedersachsen. Historische Kulturlandschaftsteile entdecken*. 2. Auflage, Hannover.

تصویر ۱: چوپان و گله در ویلزده. اثر آرنولد لونگرون
(Arnold Lyongrün). رنگ روغن. ۱۹۰۹.
مأخذ: <https://de.wikipedia.org/wiki/Wilsede>

Pic 1: Shepherd and flock at Wilsede, Oil
Painting by Arnold Lyongrün, 1909. Source:
<https://de.wikipedia.org/wiki/Wilsede>.

Landscape, Natural Landscape, Cultural Landscape

Translated from German to Persian by Siavash Doroodian
Ph.D. in Restoration of Historic Buildings, University of
Bamberg, Germany.
siavashdoroodian@yahoo.com

Abstract | Although the term „cultural landscape“ has been used in various texts for many years now, there is no universal definition and authors use this term in their own ways. This article is an attempt to investigate the definitions of landscape, natural landscape and cultural landscape as well as the categories they could be divided into and the roles they could play in today's life. To answer these questions, first the author studies the difference between landscape and nature, based on which the definition of cultural landscape could be developed. According to this definition, nature is something constantly changing and landscape is one manifestation of nature (out of many possible ones) which got preserved by humans. Afterwards different forms of cultural landscapes like park landscapes or industrial landscapes will be considered. A new insight into a

cultural landscape which could lead to the discovery of their aesthetical or symbolic value would be possible only through the investigation of their emergence. Then the landscape is viewed as a scientific subject from interdisciplinary perspectives, using various relevant professional disciplines to form a synthesis. In the last part, the author points to the importance of dealing with cultural landscapes and presents it as a general subject which can be recommended in school books in order to help the general understanding and flourish the unexploited industrial or agricultural areas. Moreover the author believes that approaching cultural landscapes could bring a new meaning to the term home or homeland which will accordingly be helpful in attracting migrants and integrating them into the society. Finally the deficiencies of the statutes for the conservation of landscapes are taken into consideration. Those deficiencies come from confounding the terms nature and landscape and therefore the existing statutes concern mainly the conservation of nature but do not cover the conservation of landscapes.

Keywords | Nature, Landscape, Cultural landscape.

تصویر
Pic1

